

## چه هدفی پشت حملات رسانه‌ای علیه ظریف دارد؟

حملات رسانه‌ای و سازماندهی‌شده علیه دکتر ظریف که از ابتدای شروع دولت آقای پزشکیان کلید خورده بود، اکنون وسیع‌تر و همه‌جانبه‌تر دنبال می‌شود و هر روز یک نیرو و گروه جدید به صحنه می‌آید تا دامنه فشار علیه او و دکتر پزشکیان را تنگ‌تر کند.

به گزارش سایت خبری پرسون، روزنامه هم میهن نوشت: حملات رسانه‌ای و سازماندهی‌شده علیه دکتر ظریف که از ابتدای شروع دولت آقای پزشکیان کلید خورده بود، اکنون وسیع‌تر و همه‌جانبه‌تر دنبال می‌شود و هر روز یک نیرو و گروه جدید به صحنه می‌آید تا دامنه فشار علیه او و دکتر پزشکیان را تنگ‌تر کند.

اکنون سوال اساسی این است که چرا ظریف؟ چه هدفی پشت این برنامه تبلیغی و سیاسی وجود دارد که طیف مشخصی پیگیر جدی برنامه حذف ظریف است؟

طبیعتاً، موضوع شخصی نیست و ارتباط وثیقی بین ادعای اصلی و بهانه‌ای که مخالفان ظریف مطرح می‌کنند با پروژه حذف ظریف وجود ندارد؟ مهمترین دستاویز مخالفان ظریف، مصوبه مجلس درباره نفی مسئولیت کسانی است که یا دوتابعیتی هستند یا فرزندان آنها مقیم کشورهای غربی‌اند.

آنچه می‌تواند بیشتر مدنظر قرار گیرد، نقش محوری گفتمانی است که دکتر ظریف ستون اصلی آن است و دکتر پزشکیان آن را به‌عنوان برگ برنده تغییراتی تلقی می‌کند که اساس و پایه کار دولت اوست. وفاق و تعامل دو مؤلفه اصلی گفتمان پزشکیان است. رویکرد وفاق و تعامل دوسویه مرتبط با هم دارد؛ سویه داخلی و سویه بین‌المللی. در هر دو سویه هم چالش‌های عمیق وجود دارد و هم موانع سخت.

چالش اصلی گفتمان وفاق و تعامل فقدان بنیان‌های نظری و متعاقب آن، نبود یک برنامه عملیاتی و طراحی‌شده است. آقای دکتر پزشکیان با سیاست صبر و مدارا و به‌اتکای بینش و مشی دینی و سیاسی سعی دارد سویه داخلی وفاق را پیش ببرد و تاکنون نیز به‌خوبی هم از حمایت رهبری سود برده غاست و هم تاحدودی افکارعمومی و بخشی از روشنفکران و کنشگران سیاسی و اجتماعی را با خود همراه کرده است.

آقای پزشکیان در پیشبرد این سویه وفاق جز چالش نظری و برنامه، با موانع جدی روبه‌روست که مهمترین آنها ابتدا مخالفت‌های صریح و جدی کسانی است که اساساً اعتقاد و باوری نسبت به موضوع ضرورت وفاق ندارند و درصد تحقق خالص‌سازی هستند؛ جریانی که به‌شدت بر مبانی ایدئولوژیک و جهان‌بینی خاص خود تکیه دارد و هرگز زیر بار تقسیم قدرت و پذیرش اینکه تصمیم‌گیرنده مردم هستند، نمی‌روند. اما سویه دیگر نظریه وفاق، سویه تعامل با جهان است که بدون آن قطعاً وفاق داخلی هیچ ظرفیتی برای ایجاد تغییر و دگرگونی نخواهد داشت.

تعامل با جهان صرفاً داشتن نوعی رابطه مسالمت‌آمیز با کشورها نیست؛ بلکه تعامل یعنی طرف شدن و شراکت و ایجاد منفعت مشترک و پایدار با اکثریت کشورهای جهان به‌خصوص کشورهای اثرگذار است. چنین مشی و رویکردی نیازمند الزاماتی اولیه است که مهمترین این الزامات، ابتدا، داشتن یک چارچوب نظری روشن درباره نحوه و هدف تعامل با جهان؛ دوم، ایجاد سازوکار و برنامه عملیاتی و سوم، تدارک و ساماندهی نیروی اجرایی برای پیشبرد این مؤلفه‌هاست.

نقطه مرکزی و اصلی چنین طرح و برنامه‌ای نیرو و سرمایه انسانی و کارآمد است. دکتر ظریف کارآمدترین و حرفه‌ای‌ترین و به‌روزترین دیپلمات ایران است که می‌تواند چنین نقشی را برعهده داشته باشد. جدای از روابط شخصی آقای پزشکیان و ظریف، بنیان نظریه وفاق و تعامل به‌عنوان ستون اصلی و چارچوب عملی دولت پزشکیان بر سویه تعامل با جهان قرار دارد و جز ظریف، فرد دیگری که مدنظر و یا مورد اعتماد آقای پزشکیان باشد، وجود ندارد.

البته، این درد بزرگ و ضایعه‌ای بزرگ‌تر است که ایران که امروز می‌بایست صدها دیپلمات هم‌تراز با ظریف می‌داشت، اکنون آنقدر کم‌ظرفیت جلوه می‌کند که حتی تحمل او هم سخت شده است. اما به‌نظر می‌رسد آقای پزشکیان می‌بایست ستون‌های اصلی برنامه وفاق و تعامل را حفظ کند و شاید اصرار مخالفان داخلی و همراهان خارجی آنها در حذف ظریف بیش از آنکه دغدغه بودنبود ظریف را داشته باشند، برای شکست دولت پزشکیان برنامه‌ریزی کرده‌اند و آنها بیش از اینکه بودنبود پزشکیان برایشان مهم باشد، پیشرفت و عدم‌پیشرفت ایران برایشان مهم است.

متأسفانه کج‌اندیشان داخلی و بدسگالان خارجی هر دو در یک هدف به اشتراک منافع رسیده‌اند و آن‌هم ممانعت از خروج ایران از بن‌بست و ماندن در مسیر مشکلات و بحران‌هاست. هدف ایران است، نه ظریف.